



Sociological Factors Influencing Social Happiness in Women (Case Study: Women Residing in the City of Eslamabad-e Gharb)

Saeed Goudarzi¹ | Ali Shir Ghalamzan²

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.73.6.6

Abstract

The current study aims to determine the sociological factors associated with women's happiness in the City of Eslamabad-e Gharb, using the survey methodology. The statistical sample included 384 women selected utilizing the multistage (cluster) sampling method. To collect data, a researcher-made questionnaire was used. On this basis, the mean of women's happiness was calculated at 2.84 (within a range of 1 to 5). The results of the bivariate analysis indicated a positively significant relationship between the variable of social happiness in women and variables like life satisfaction, optimism regarding the future, social trust, religiousness, security, social justice, and social alienation, at a confidence level of 95 percent. Meanwhile, social happiness in women varied based on factors like employment, age, marital status, and the level of education ($P < 0.05$). The findings of the multiple regression analysis indicated that variables such as religiousness, social justice, social alienation, security, and social trust remained in the regression equation, leaving the biggest impact on social happiness in women, respectively, and explaining 37 percent of the variance of social happiness in women ($P < 0.05$). Results also show that social happiness in women is not related to a specific variable but is the result of various factors including individual and social factors, formed within the process of the individual-society relationship.

Key words: Security; Social Alienation; Social Justice; Social Trust, Religiousness; Social Happiness.

Research Paper

Received:
15 September 2024

Revised:
02 July 2025

Accepted:
27 July 2025

Published:
19 November 2025

P.P: 183-204

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



1. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: sgoodarzi1355@pnu.ac.ir

2. Corresponding Author: Holder of a Master's Degree in Sociology, Ministry of Education, Eslamabad-e Gharb, Iran. Email: ghalamzan.1353@gmail.com

* The present article is extracted from the Master's Thesis in Sociology, Payame Noor University, Hamedan, Iran.

Cite this Paper: Goudarzi'S & Ghalamzan'A.(2025). Sociological Factors Influencing Social Happiness Women (Case Study: Women Residing in the City of Eslamabad-e Gharb) , The Women and Families Cultural-Educational, 183–204.



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

صص: ۱۸۳-۲۰۴

شاپا چاپی: ۲۶۴۵-۴۹۵۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹

عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نشاط اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهر اسلام آباد غرب)*

سعید گودرزی^۱ | علی شیر قلمزن^۲

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین "عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نشاط اجتماعی زنان در شهر اسلام آباد غرب" با استفاده از روش پیمایشی انجام شد. حجم نمونه تعداد ۳۸۴ نفر تعیین گردید و نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. میانگین نشاط اجتماعی زنان ۲/۸۴ (از دامنه ۱ تا ۵) بود. یافته‌های تحلیل دو متغیری نشان داد بین نشاط اجتماعی زنان با متغیرهای رضایت از زندگی، امید به آینده، اعتماد اجتماعی، دینداری، احساس امنیت، احساس عدالت اجتماعی و احساس بیگانگی اجتماعی با ۹۵ درصد اطمینان رابطه معنی‌داری وجود داشته است. همچنین نشاط اجتماعی زنان بر حسب متغیرهای وضعیت اشتغال، سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات متفاوت بوده است ($P < 0.05$). یافته‌های تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد متغیرهای دینداری، احساس عدالت اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند و به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نشاط اجتماعی زنان داشته‌اند. این متغیرها توانسته‌اند ۳۷ درصد واریانس نشاط اجتماعی زنان را تبیین کنند ($P < 0.05$). نتایج نشان داد نشاط اجتماعی زنان مرتبط با یک متغیر خاص نیست، بلکه معلول عوامل مختلفی از جمله عوامل فردی و اجتماعی است و در فرایند رابطه فرد با اجتماع شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت؛ احساس بیگانگی اجتماعی؛ احساس عدالت اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی؛ دینداری؛ نشاط اجتماعی.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور همدان است.

۱- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: sgoodarzi1355@pnu.ac.ir

۲- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش، اسلام‌آباد غرب، ایران.

Email: ghalamzan.1353@gmail.com

استناد: گودرزی، سعید؛ قلمزن، علی‌شیر. (۱۴۰۴). عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نشاط اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهر

اسلام آباد غرب)، فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۲۰۴-۱۸۳. DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.73.6.6

مقدمه و بیان مسأله

نشاط یکی از ضروری‌ترین نیازهای روانی و فطری انسان‌ها به شمار می‌آید و نشاط اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد (بهلگردی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷۲). نشاط اجتماعی در فرهنگ دهخدا به معنی خوشی و شادمانی و در سایر فرهنگ‌ها نیز به مواردی چون سرزندگی، زنده‌دلی، خوش‌رویی و کامیابی، شادمانی و خوشی آمده است. اما در اصطلاح، نشاط به میزانی اطلاق می‌شود که شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود قضاوت می‌کند و میزان دوست داشتن زندگی خویش است (وینهون^۱، ۱۹۹۸). با ورود به هزاره سوم میلادی، شهرها مخصوصاً کلان‌شهرها با مسائل زیادی مواجه هستند. مانند آلودگی‌ها و مسائل زیست محیطی، افزایش جرائم و در نهایت کاهش نشاط اجتماعی افراد. نشاط از ویژگی‌هایی محسوب می‌شود که در زندگی اجتماعی نقشی مهم و اساسی را ایفاء می‌کند (کیا و امیری، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

جامعه ایران نیز به واسطه تحولات ساختاری و ارزشی در دو دهه اخیر، تحولات گسترده‌ای را در حوزه خانواده تجربه کرده است (سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۲). از نگاه دورکیم گذر از جامعه سنتی به مدرن همراه با آشفتگی اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی سنتی و پایین آمدن نشاط اجتماعی است (عشایری و جهان‌پرور، ۱۴۰۲: ۳۲). گزارش جهانی طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ نشان داده که میزان شادی و نشاط در ایران روند کاهشی داشته است. به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۲ رتبه ۸۱ (با میانگین ۵/۳ از دامنه از دامنه صفر تا ده) و در سال ۲۰۲۱ رتبه ۱۱۷ (با میانگین ۴/۷) را دارا بوده است (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۶). نتایج پژوهش‌های متعددی از جمله سمیعی و دیگران (۱۳۹۵)، امیر و فائقی (۱۳۹۹)، دامن‌باغ و دیگران (۱۴۰۰) و... نشان داده که نشاط اجتماعی در جامعه ما کم است.

خانواده، یکی از نهادهای مهم در جوامع به خصوص در جامعه ایران محسوب می‌شود (حیدری، ۱۴۰۲: ۱۶۲). خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است (خان محمدی، ۱۴۰۳: ۱۳۴). خانواده در ایران نه تنها در فرایند جهانی‌شدن تحول عظیمی را تجربه می‌کند، بلکه هدف تهاجمات فرهنگی غرب قرار گرفته است (احمدی و اخوی ثمرین، ۱۴۰۱: ۱۷).

1. Veenhoven

نظریه‌ها و پژوهش‌های متعدد، نقش و نفوذ خانواده را در شکل‌گیری الگوی رفتار بهنجار و نابهنجار افراد تأیید کرده است (هفت‌لنگ و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴). زن بعنوان یکی از ارکان خانواده، یکی از مواهب الهی است که برای تکامل بخشیدن به نسل انسان خلق شده است و بنیان استوار خانواده منوط به وجود اوست. اساساً سخن گفتن یا نوشتن از زن بدون شناخت حالت، روحیات، و نیازهای جسمی و روحی آنان بسی دشوار است (قادری و قنبری عدیوی، ۱۳۹۸: ۶). زنان بعنوان نیمی از جامعه، دارای نقش مهمی در خانواده هستند و نشاط اجتماعی آنها از اهمیت بالایی، در با نشاط کردن جامعه و استحکام کانون خانواده دارند. این در حالی است که در شهرستان اسلام آباد غرب در مورد نشاط اجتماعی زنان، پژوهشی انجام نگرفته است. بنابراین باتوجه به مطالبی که گفته شد، سؤال پژوهش این است که میزان نشاط اجتماعی زنان اسلام آباد غرب چقدر است و مهمترین عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نشاط اجتماعی زنان کدام عوامل هستند؟

مبانی نظری

زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله نشاط توجه داشته است. از نظر زیمل، نشاط یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. او نشاط را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد. موضع زیمل در برابر نشاط موضع دوگانه‌ای است. از یک سو به نشاط به عنوان یک هدف نگاه می‌کند که آدمی به دنبال آن است، از سویی دیگر نشاط را کیفیت عمل و حالتی از ذهن می‌بیند که فرد در ارتباط با خودش دارد (محسنی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۳).

اینگلهارت^۱ معتقد است احساس رضایت و سعادت، بازتاب توازن میان آرزوهای فرد با وضعیت اوست (اینگلهارت، ۱۴۰۰). او با تأکید بر الگوی تطابق وضعیت عینی با آرزو ادعا می‌کند هنگامی که وضعیت عینی و کنونی فرد با آرزوهایش انطباق داشته باشد، فرد احساس رضایت می‌کند و در این حالت، نشاط او افزایش می‌یابد. او در این رابطه، تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم می‌کند و نتیجه‌گیری می‌کند که با افزایش

1. Inglehart

سطح امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به مرور زمان اهداف فرامادی جای اهداف مادی را می‌گیرند و در این شرایط سطح بالای درآمد، نقش خود را در افزایش سطح نشاط افراد از دست می‌دهد. اینگلهارت معتقد است که سطوح بالای مذهب با سطوح بالای بهزیستی ذهنی (از جمله نشاط) همراه است. او معتقد است یکی از دلایل وقوع چنین امری این است که، مذهب نوعی احساس قابلیت پیش‌بینی و امنیت را خصوصاً در شرایط عدم امنیت اقتصادی برای افراد فراهم می‌آورد و بدین طریق در کاهش احساس ناامنی و به تبع آن افزایش نشاط مؤثر می‌افتد (اینگلهارت، ۱۴۰۰: ۲۴۵-۲۴۴).

گیدنز^۱ در نظریات خود در مورد مدرنیته و پیامدهای آن، اعتماد و احساس امنیت را از عوامل تأمین‌کننده نشاط و ضعیف شدن آن‌ها را یکی از عوامل تهدیدکننده نشاط می‌داند. از نظر گیدنز، در جامعه سنتی، زندگی مبتنی بر ایمان و قطعیت است و هیچ چیز جز عامل خارجی آن را مختل نمی‌کند. ولی زندگی مدرن بر احتمالات و عدم قطعیت بنا شده و لذا اعتماد او با نوعی اضطراب و دلهره درونی توأم شده که ذاتی زندگی مدرن است. به اعتقاد او اعتماد در تمام انواع آن، استمرار رفتار و زندگی و سپس قابلیت پیش‌بینی آن می‌باشد. از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام‌های ما پیش از مدرنیته متأخر، از نوع پابندی‌های چهره به چهره و مبتنی بر هم‌حضور است، اما در مدرنیته متأخر، اعتماد غیرشخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر، بی‌توجهی مدنی، جنبه بنیادی روابط اعتماد بین افرادی است که از ماهیت رشد‌یافته نظام‌های انتزاعی ریشه گرفته‌اند (گیدنز، ۱۳۹۴). گیدنز معتقد است که مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده، اما خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین آنها ساخته است (فلک‌الدین و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۴۹). از جمله عوامل تهدیدکننده نشاط از نظر گیدنز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: جنگ، تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی. همچنین از جمله عوامل تأمین‌کننده نشاط از نظر گیدنز می‌توان به اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و واگذاری امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی و دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب اشاره نمود (عارف و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۲). گیدنز، احساس ناامنی را به عنوان یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده نشاط مطرح می‌کند. وی فقدان امنیت

1. Giddens

و ترس از تهدید را عاملی می‌داند که اعتماد را از دیگران سلب کرده و موجب می‌شود کنشگران نسبت به ادعای صداقتی که افراد در کنش‌های خود بروز می‌دهند، دچار شک شوند. عدالت اجتماعی به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها، منابع، حقوق و وظایف در جامعه است. به اعتقاد ویلکینسون و پیکت^۱، وقتی افراد احساس کنند در جامعه به عدالت رفتار می‌شود و دسترسی برابری به درآمدها، امکانات و فرصت‌ها دارند، حس رضایت، تعلق و نشاط اجتماعی در آن‌ها افزایش می‌یابد. کاهش فاصله درآمدها، باعث افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش حمایت متقابل میان افراد و کاهش خشونت می‌شود که این خود عامل مهمی در افزایش احساس نشاط جمعی است. همچنین جوامعی که در آنها نابرابری درآمدی کمتری وجود دارد، سطح بالاتری از رضایت اجتماعی و نشاط دارند (ویلکینسون و پیکت، ۲۰۱۰). بر اساس نظریه خواسته‌ها^۲، نشاط و خوشبختی به معنای دستیابی به خواسته‌های فرد است. هر زمان که افراد به خواسته‌هایشان دست یابند، احساس نشاط پیدا می‌کنند.

وینهوون^۳، نشاط را حالتی پایدار می‌داند که حاصل ارزیابی فرد از میزان مطلوبیت کیفیت زندگی‌اش است. این ارزیابی نشان می‌دهد فرد زندگی مطلوب را چه می‌بیند و این زندگی چگونه انتظاراتش را برطرف می‌کند. او معتقد است که موقعیت اجتماعی بر این ارزیابی تأثیرگذار است. زیرا نشاط، به بدبختی حساس است. افرادی که در موقعیت بد قرار دارند، یا آنهایی که موقعیت‌شان بدتر شده است، تمایل دارند که خود را بی‌نشاط‌تر از مردمی که در یک موقعیت خوب قرار دارند، نشان دهند. به اعتقاد وینهوون نشاط وابسته به سه سطح است. در سطح خرد به توانایی‌های شخصی مانند کارآمدی، استقلال، مهارت‌های اجتماعی و تحصیلات، در سطح میانی وابسته به عواملی مانند کیفیت‌های نهادی است و در سطح کلان به کیفیت جامعه و عواملی مانند سلامتی، آزادی و عدالت اجتماعی وابسته است (وینهوون، ۲۰۰۶).

به اعتقاد آرگایل^۴، بررسی نشاط از زاویه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و فیزیولوژی می‌تواند با عرضه دیدی جامع، به شناخت بهتر از عوامل شکل‌دهنده نشاط اجتماعی کمک کند. آرگایل نشاط را نتیجه تعامل سه مؤلفه اصلی می‌داند: تجربه احساسات مثبت

1. Wilkinson & Pickett

2. Desire Theory

3. Veenhoven

4. Argyle

(خوشحالی یا سرور)، رضایت کلی از زندگی و فقدان احساسات منفی (مانند افسردگی و اضطراب). او بر اهمیت روابط اجتماعی گرم و حمایت‌گر تأکید می‌کند و نشان می‌دهد کیفیت ارتباطات انسانی، یکی از کلیدهای اصلی برای ایجاد نشاط است. آرگایل به تأثیر شرایط اقتصادی، اشتغال و فعالیت‌های تفریحی بر سلامت روان اشاره کرده و نشان می‌دهد که نشاط تنها یک حالت لحظه‌ای نیست، بلکه فرایندی چندبعدی و پویاست (آرگایل، ۲۰۱۳).

پیشینه پژوهش

نتایج فراتحلیل شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) در مورد عوامل موثر بر نشاط اجتماعی، نشان داده است که متغیرهای رضایت از زندگی، عزت نفس، دینداری و ارتباط اجتماعی نسبت به سایر متغیرها، تأثیر بیشتری بر نشاط اجتماعی در ایران داشته‌اند. نتایج پژوهش ارجمند سیاهپوش و دیگران (۱۳۹۷) نشان داد که بین متغیرهای مستقل احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، درآمد، اعتماد اجتماعی و دینداری با متغیر وابسته نشاط اجتماعی نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشاط اجتماعی نشان داده که متغیرهای درآمد، احساس محرومیت نسبی و اعتماد اجتماعی توانسته‌اند ۴۴ درصد واریانس نشاط اجتماعی را تبیین کنند. در پژوهش سمیعی و دیگران (۱۳۹۷)، بین متغیرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی، دینداری، میزان درآمد، ابعاد سرمایه اجتماعی، از خود بیگانگی، رضایت از زندگی با نشاط اجتماعی افراد رابطه‌های معنی‌دار وجود داشته است. نتایج آزمون رگرسیون پژوهش عارف و دیگران (۱۴۰۱) نشان داده که اعتماد اجتماعی خانواده تأثیری معنی‌دار و افزایشی بر نشاط اجتماعی معلمان داشته است. یافته‌های مهدوی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین امید، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شرایط اقتصادی و غنی بودن اوقات فراغت بصورت مثبت و معنی‌داری نشاط اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. تحلیل داده‌ها نشان داده که امید $0/8$ ، امنیت اجتماعی $0/08$ ، اعتماد اجتماعی $0/06$ ، شرایط اقتصادی $0/08$ و غنی بودن اوقات فراغت $0/11$ از واریانس نشاط اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج تحقیق عشایری و جهان‌پرور (۱۴۰۲) نشان داد که بین سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، سرمایه فرهنگی، عوامل رسانه‌ای (شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های داخلی و رسانه‌های محلی)، عوامل اجتماعی (محرومیت نسبی، ناکامی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی،

آنومی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی؛ عوامل روانی (عزت نفس، رضایت از زندگی، شخصیت بهنجار و احساس هویت) و عوامل زمینه‌ای (طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سن و درآمد) با میزان نشاط اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحقیق عشایری و دیگران (۱۴۰۳) که به روش فراتحلیل انجام گرفته است، نشان می‌دهد متغیرهای وضعیت تأهل، جنس و دین‌داری بر نشاط اجتماعی تأثیر داشته‌اند. نتایج تأثیر مؤلفه‌های دینداری نشان می‌دهد که مؤلفه بعد تجربی با مقدار ۳۳ صدم، بعد اعتقادی با ۳۰ صدم بیشترین و بعد عاطفی با مقدار ۲۵ صدم و بعد مناسکی با مقدار ۲۳ صدم و بعد پیامدی با مقدار ۲۲ صدم تأثیر متوسطی در مقایسه با سایر مؤلفه‌های دینداری بر نشاط اجتماعی داشته‌اند و اثر کلی آن برابر با ۴۵ صدم است که این اثر طبق مدل کوهن در سطح بالای قرار دارد.

بر طبق پژوهش آرگایل و هیلز^۱ (۲۰۰۰)، اعتقادات دینی یکی از عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی است و افراد متدین نسبت به افراد غیرمتدین، نشاط بیشتری از زندگی دارند (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۶). آبوت و ساپسفورد^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود در روسیه و اوکراین به این نتایج رسیدند که سرمایه انسانی، وضعیت اقتصادی، زمینه اجتماعی شامل حمایت، اعتماد و تعهدات اجتماعی، میزان رضایتمندی از درآمد و امکانات خانوادگی با میزان نشاط دارای رابطه مستقیم می‌باشند. همچنین در پژوهش اسنوپ^۳ (۲۰۰۸)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین دینداری و نشاط اجتماعی در کشورهای دانمارک، ایالات متحده و هلند پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که بین دینداری و نشاط رابطه مثبت وجود دارد. به همین منظور محقق نتیجه گرفته است که در کشورهایی مانند آمریکا که کلیسا دارای کارکردهای اجتماعی و اقتصادی بیشتری است و اکثریت مردم معتقد هستند، نسبت به کشورهایی مانند دانمارک و هلند، که کلیسا کارکردهای خود را از دست داده و مؤمنان در اقلیت هستند، رابطه بین دینداری و نشاط قوی‌تر است. اویشی و دیگران^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود در آمریکا، با عنوان «برابری درآمدی و شادی»، به این نتیجه رسیدند که عدالت و برابری در توزیع درآمد نقش بسیار مهمی در احساس نشاط در جامعه دارد و تأثیر آن در میان اقشار فقیر و کم درآمد بسیار بیشتر از سایر اقشار است. یافته‌های

1. Argyle & Hills
2. Abbott & Sapsford
3. Snoep
4. Oishi & et. al

نی‌را و دیگران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی در دو بُعد ساختاری و شناختی (مانند اعتماد، شبکه‌های ارتباطی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، رابطه مثبت و معنی داری با نشاط اجتماعی دارند. یعنی پاسخگویی که از حمایت اجتماعی، مشارکت و اعتماد بالاتری برخوردار بوده‌اند، سطح بالاتری از نشاط اجتماعی را تجربه کرده‌اند.

یافته‌های کارملی^۱ و همکارانش (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «حمایت اجتماعی به عنوان منبع نشاط در بین دانشجویان: نقش تعدیل‌کننده خودکارآمدی اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی نقش مثبتی در بهبود نشاط اجتماعی دانشجویان دارد. نتایج تحقیق جتن و دیگران^۲ (۲۰۲۱) نشان داد که نابرابری اقتصادی اثرات مخربی دارد و سلامت روانی و جسمی را کاهش می‌دهد، انسجام اجتماعی را کاهش می‌دهد و حمایت از احزاب بومی‌گرا و رهبران خودکامه غیرلیبرال را تقویت می‌کند. یافته‌های جولاندا^۳ و دیگران (۲۰۲۱) با موضوع «پیامدهای نابرابری اقتصادی برای سرزندگی اجتماعی و سیاسی جامعه: تحلیل هویت اجتماعی» نشان داده که نابرابری اقتصادی علاوه بر تأثیر بر رفتارهای سیاسی و اجتماعی و کاهش انسجام اجتماعی شهروندان، باعث کاهش سرزندگی و نشاط در جامعه می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

دستیابی به هدف‌های علم به شناخت علمی میسر نخواهد بود مگر زمانی که با روش‌شناسی درست صورت پذیرد (محمدی بابازیدی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۳). پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش و ماهیت به صورت توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر اسلام آباد غرب تشکیل می‌دادند که بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد آن‌ها برابر ۳۲۳۷۵ نفر بود. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان^۴ تعداد ۳۸۴ نفر تعیین گردید. تعداد ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل شد که پس از حذف موارد پرت و ناقص داده‌ها تعداد ۳۸۴ نفر در تحلیل نهایی استفاده شد. همچنین برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین صورت که در ابتدا شهر

1. Carmeli

2. Jetten & et. al

3. Jolanda

4. Krejcie & Morgan

اسلام آباد غرب به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. در مرحله بعد از هر منطقه، دو خیابان انتخاب و پرسشنامه ها در بین زنان ۱۸ تا ۶۵ سال این خیابان ها به صورت تصادفی تکمیل گردید. برای آزمون فرضیه های پژوهش، از آزمون های تی با نمونه های مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و تحلیل رگرسیون با استفاده از نسخه ۲۶ نرم افزار اس. پی. اس. اس^۱ استفاده شد.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود. معیارهای ورود به مطالعه، سکونت در شهر اسلام آباد غرب، تمایل به شرکت در پژوهش و محدوده سنی ۱۸ تا ۶۵ سال بود. به این علت از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که نیاز به بررسی ابعاد خاص و منحصر به فردی از موضوع تحقیق وجود داشت که منطبق بر جامعه بود و در پرسشنامه های استاندارد یافت نشد. برخی گویه های پرسشنامه با توجه به چارچوب نظری توسط محقق طرح گردید و برخی نیز از منابع علمی و پژوهش های مختلف اخذ شد. برای بررسی روایی^۲ پرسشنامه، از روایی محتوایی با استفاده از دو شاخص CVR و CVI^۳ استفاده شد. با استفاده از شاخص CVR به بررسی ضروری بودن گویه پرداخته شد. بدین صورت که، ابتدا اهداف آزمون و تعریف مفهومی متغیرها، برای داوران توضیح داده شد. سپس از آنها خواسته شد در مورد ضروری بودن یا غیرضروری بودن هر گویه نظر خود را عنوان کنند. با توجه به اینکه تعداد داوران که ۱۰ نفر بودند، گویه هایی که مقدار شاخص CVR آن گویه کمتر از ۰/۶۲ بود، حذف گردیدند. همچنین برای محاسبه شاخص CVI به منظور بررسی میزان وضوح و مرتبط بودن هر گویه، از داوران خواسته شد میزان مرتبط بودن هر گویه را با طیف چهار قسمتی (غیر مرتبط، نیاز به بازبینی اساسی، مرتبط اما نیاز به بازبینی و کاملاً مرتبط) مشخص کنند. سپس تعداد داورانی که گزینه سوم و چهارم را انتخاب نموده بودند، بر تعداد کل داوران تقسیم شد. گویه های که مقدار شاخص آنها بالای ۰/۷۹ بود، مورد قبول قرار گرفت. گویه هایی که مقدار شاخص آنها بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ بود، مورد بازبینی قرار گرفت و گویه هایی که مقدار شاخص آنها از ۰/۷۰ کمتر بود، حذف شدند.

1. SPSS

2. Validity

3. Content Validity Ratio & Content Validity Index

به منظور رعایت اصول اخلاقی در فرایند جمع‌آوری داده‌ها، در ابتدا موضوع و اهداف پژوهش برای پاسخگویان توضیح داده شد و پس از کسب رضایت، به آنها اطمینان داده شد که مشخصات و نظرات آنها منتشر نخواهد شد. همچنین از آنها خواسته شد هر زمانی که قادر یا مایل به همکاری نبودند، می‌توانند همکاری ننمایند. همچنین سعی شد بی‌طرفی، احترام به حقوق پاسخگویان و امانت‌داری علمی رعایت گردد.

برای سنجش میزان پایایی^۱ پرسشنامه با یک آزمون مقدماتی^۲ تعداد ۳۰ پرسشنامه با تعدادی از نمونه‌ها به‌طور تصادفی تکمیل گردید. پس از اتمام کار به بررسی پایایی سؤال‌های پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ^۳ پرداخته شد. همچنین برای برآورد روایی محتوایی گویه‌های پرسشنامه، از شاخص‌های CVI و CVR استفاده شد. متغیرهای مورد بررسی عبارت بودند از:

۱- نشاط اجتماعی: برای سنجش میزان نشاط اجتماعی زنان از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. در این راستا، ۲۵ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف طراحی و تدوین گردید. دامنه نمرات کل بین ۲۵ تا ۱۲۵ است. مطابق نتایج حاصل، مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ و مقدار ضریب پایایی برابر با ۰/۷۶ بود، که از نظر آماری مورد تأیید است.

۲- رضایت از زندگی: برای سنجش میزان رضایت از زندگی از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. در این راستا، ۱۰ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف طرح گردید. دامنه نمرات ۱۰ تا ۵۰ است. همچنین، مطابق نتایج حاصل، مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۲ تا ۰/۸۵ و مقدار ضریب پایایی به‌دست‌آمده برابر با ۰/۷۵ بود، که از نظر آماری مورد قبول است.

۳- امید به آینده: برای سنجش امید به آینده از پرسشنامه محقق‌ساخته و ۱۱ گویه استفاده شد. گویه‌ها در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافق، موافق،

1. Reliability

2. Pretest

3. Cronbach's coefficient alpha

بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف طراحی گردید. دامنه نمرات ۱۱ تا ۵۵ است. مطابق نتایج حاصل، مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۹ و ضریب پایایی به‌دست‌آمده برابر با ۰/۸۱ بود، که از نظر آماری مورد تأیید است.

۴- اعتماد اجتماعی: برای سنجش اعتماد اجتماعی از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. در این راستا، ۸ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف طراحی و تدوین گردید. دامنه نمرات ۸ تا ۴۰ است. درضمن مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۳ و ضریب پایایی برابر با ۰/۷۳ بود، که از نظر آماری مورد تأیید است.

۵- دینداری: برای سنجش دینداری از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. در این راستا، ۷ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظم، مخالفم و کاملاً مخالفم طرح گردید. دامنه نمرات بدست‌آمده ۷ تا ۳۵ است. مطابق نتایج حاصل، مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و ضریب پایایی به‌دست‌آمده برابر با ۰/۸۴ بود، که از نظر آماری مورد تأیید است.

۶- احساس امنیت: برای سنجش احساس امنیت از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. در این راستا، ۸ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف طراحی گردید. دامنه نمرات ۸ تا ۴۰ است. درضمن مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۸ و ضریب پایایی برابر با ۰/۷۹ بوده و از نظر آماری مورد تأیید است.

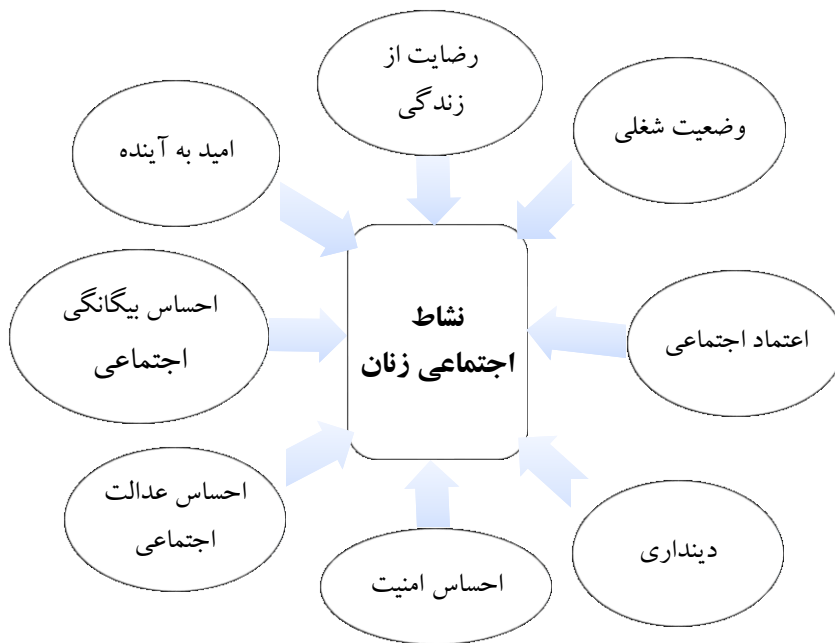
۷- احساس عدالت اجتماعی: برای سنجش احساس عدالت اجتماعی از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. در این راستا، ۱۰ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف تدوین گردید. دامنه نمرات حاصله ۱۰ تا ۵۰ است. همچنین مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۹ و ضریب پایایی برابر با ۰/۸۲ بود، که از نظر آماری مورد تأیید است.

۸- احساس بیگانگی اجتماعی: برای سنجش این متغیر از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. به همین منظور، ۱۰ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای با گزینه‌های

کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظرم، مخالفم و کاملاً مخالفم طراحی و تدوین گردید. دامنه نمرات ۱۰ تا ۵۰ است. درضمن مقدار شاخص‌های CVI و CVR برای گویه‌های متغیر مذکور بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ و ضریب پایایی برابر با ۰/۷۶ بود، که از نظر آماری مورد تأیید است.

مدل نظری پژوهش

بر اساس اهداف پژوهش و با استفاده از چارچوب نظری، مدل نظری پژوهش عبارت است از:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

بر اساس اهداف و چارچوب نظری، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- ۱- بین رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین امید به آینده و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین دینداری و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.

- ۵- بین احساس امنیت و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۶- بین احساس عدالت اجتماعی و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین احساس بیگانگی اجتماعی و نشاط اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۸- بین نشاط اجتماعی زنان بر حسب وضعیت شغلی (شاغل، بیکار) آنان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۹- بین نشاط اجتماعی زنان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تأهل و تحصیلات) تفاوت معنی داری وجود دارد.

یافته‌ها

۲۴/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۷۵/۵ درصد متأهل بوده‌اند.^۱ میزان تحصیلات ۱۳ درصد دیپلم، ۱۵/۹ درصد فوق دیپلم، ۴۳/۲ درصد لیسانس، ۳۹/۶ درصد فوق لیسانس و دکترا بوده است. ۶۹/۸ درصد پاسخگویان شاغل و ۳۰/۲ درصد بیکار و میانگین سن پاسخگویان ۳۲ سال بوده است. ۶۵/۶ درصد پاسخگویان تاحدودی نشاط اجتماعی داشته‌اند. این در حالی است که نشاط اجتماعی ۲۵/۸ درصد کم و ۸/۶ درصد زیاد بوده است. میانگین نشاط اجتماعی زنان ۲/۸۴ (از دامنه ۱ تا ۵) بوده است. سایر اطلاعات در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. جدول درصد فراوانی متغیرهای پژوهش

متغیر	کم	متوسط	زیاد
نشاط اجتماعی	۲۵/۸	۶۵/۶	۸/۶
امید به آینده	۱۳	۸۰	۷
دینداری	۵/۲	۳۲/۸	۶۲
رضایت از زندگی	۱۲/۵	۷۰/۸	۱۶/۷
بیگانگی اجتماعی	۵۳/۶	۲۴	۲۲/۴
احساس امنیت	۱۹	۷۹/۷	۱/۳
اعتماد اجتماعی	۴/۲	۳۸/۵	۵۷/۳
احساس عدالت اجتماعی	۱۹/۵	۷۹/۲	۱/۳

۱- منظور از زن در این پژوهش، هر فرد بالغ مؤنث مجرد یا متأهلی است که دوران بلوغ و نوجوانی خود را تمام کرده و به سن ۱۸ سالگی رسیده است.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های تی با نمونه‌های مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و تحلیل رگرسیون استفاده گردید.

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون و ضریب تعیین تعدیل شده بین متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته نشاط اجتماعی زنان

متغیر	همبستگی پیرسون	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی‌داری
رضایت از زندگی	۰/۱۲۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳
امید به آینده	۰/۱۶۶	۰/۰۲۷	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۱۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۲۴
دینداری	۰/۲۴۵	۰/۰۶۰	۰/۰۰۰
احساس امنیت	۰/۲۰۵	۰/۰۴۲	۰/۰۰۰
احساس عدالت اجتماعی	۰/۳۰۲	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰
احساس پیگانگی اجتماعی	-۰/۳۳۲	۰/۱۱۰	۰/۰۰۰

یافته‌ها نشان می‌دهند که ضریب همبستگی بین دو متغیر رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی معادل ۰/۱۲۶ است که از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. ضریب تعیین بین این دو متغیر هم نشان می‌دهد تقریباً یک صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی ناشی از رضایت از زندگی پاسخگویان است. ضریب همبستگی بین دو متغیر امید به آینده و نشاط اجتماعی معادل ۰/۱۶۶ است که از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. ضریب تعیین بین دو متغیر هم معادل ۰/۰۲۷ است و بیانگر آن است که تقریباً دو صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی ناشی از امید به آینده پاسخگویان است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که ضریب همبستگی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی معادل ۰/۱۱۵ است. ضریب تعیین بین این دو متغیر هم معادل ۰/۰۱۳ است، یعنی تقریباً یک صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی ناشی از اعتماد اجتماعی پاسخگویان است. ضریب همبستگی بین دو متغیر دینداری و نشاط اجتماعی معادل ۰/۲۴۵ است که از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. ضریب تعیین بین این دو متغیر هم معادل ۰/۰۶۰ است. یعنی تقریباً شش صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی ناشی از دینداری پاسخگویان است. یافته‌ها نشان می‌دهند که ضریب همبستگی بین دو متغیر احساس امنیت و نشاط اجتماعی معادل ۰/۲۰۵ است. ضریب تعیین بین این دو متغیر هم معادل

۰/۰۴۲ است، یعنی تقریباً چهار صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی ناشی از احساس امنیت پاسخگویان است.

ضریب همبستگی بین دو متغیر احساس عدالت اجتماعی و نشاط اجتماعی معادل ۰/۳۰۲ و ضریب تعیین بین این دو متغیر هم معادل ۰/۰۹۱ است. یعنی تقریباً نه صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی ناشی از احساس عدالت اجتماعی پاسخگویان است. ضریب همبستگی بین دو متغیر احساس بیگانگی اجتماعی و نشاط اجتماعی معادل ۰/۳۳۲- و ضریب تعیین بین این دو متغیر هم معادل ۰/۱۱ است. یعنی تقریباً یازده صدم از واریانس متغیر نشاط اجتماعی، ناشی از احساس بیگانگی اجتماعی پاسخگویان است.

میانگین متغیر نشاط اجتماعی زنان شاغل برابر با ۳/۸۶ و زنان بیکار ۲/۸۰ می باشد. سطح معنی داری آزمون t ($t = ۰/۱۷۸$ ؛ $p = ۰/۰۰۰$) نشان داد نشاط اجتماعی پاسخگویان بر اساس وضعیت شغلی آنها تفاوت وجود دارد. با توجه به مقدار F و سطح معنی داری آن ($F = ۱/۶۵۰$ ؛ $p = ۰/۰۰۰$) می توان گفت نشاط اجتماعی پاسخ دهندگان بر اساس سن آنها تفاوت دارد. در نتیجه می توان گفت میزان نشاط اجتماعی در گروه های سنی مختلف متفاوت می باشد. یافته های پژوهش نشان می دهند میانگین نشاط اجتماعی مجردها ۲/۵۳ و میانگین نشاط اجتماعی متأهلین ۳/۲۷ (از دامنه ۱-۵) بوده است. اما سطح معنی داری و مقادیر t ($t = ۰/۱۹۵$ ؛ $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$) بیانگر آن است که تفاوت نشاط اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان از لحاظ آماری معنی دار است. با توجه به مقدار F و سطح معنی داری آن ($F = ۱/۶۵۰$ ؛ $p = ۰/۰۰۰$) می توان گفت نشاط اجتماعی پاسخ دهندگان بر اساس میزان تحصیلات آنها تفاوت دارد.

نتایج رگرسیون چندگانه هم نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون چندگانه، مجموعاً ۰/۳۷ از واریانس متغیر نشاط اجتماعی را تبیین نمودند.

جدول ۳. خلاصه مدل متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی	ضریب	خطای	سطح معنی داری
پیرسون	تعیین	استاندارد برآورد	
۰/۶۱	۰/۳۷	۹/۲۱	۰/۰۰۰

جدول ۴. جدول تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش

سطح معنی‌داری	نسبت F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۰	۴۶/۰۱	۷/۵۰	۵	۳۷/۵۴	رگرسیون
		۰/۱۶	۳۷۸	۶۱/۶۸	باقیمانده
			۳۸۳	۹۹/۲۲	کل

جدول ۵. خروجی تحلیل رگرسیون چندگانه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته نشاط اجتماعی زنان

سطح معنی‌داری	آماره t	بتا	خطای استاندارد	ضریب b	سلامت اجتماعی
۰/۰۱	-۲/۳۶		۰/۲۹	-۰/۶۸	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۸/۷۶	۰/۳۶	۰/۰۲	۰/۲۳	احساس بیگانگی اجتماعی (x_1)
۰/۰۰۰	۸/۵۰	۰/۳۸	۰/۰۵	۰/۴۳	احساس عدالت اجتماعی (x_2)
۰/۰۰۰	۶/۴۲	۰/۳۲	۰/۰۵	۰/۳۴	احساس امنیت (x_3)
۰/۰۰۰	۵/۳۹	۰/۳۹	۰/۰۶	۰/۳۶	دینداری (x_4)
۰/۰۰۴	۲/۰۳	۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۱۶	اعتماد اجتماعی (x_5)

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد به ترتیب متغیرهای دینداری، احساس عدالت اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر نشاط اجتماعی زنان داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید به بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نشاط اجتماعی زنان در شهر اسلام آباد غرب پرداخته شود. یافته‌ها نشان داد نشاط اجتماعی ۲۵/۸ درصد پاسخگویان کم بوده است. در حالی که احساس نابرابری ۶۵/۶ درصد تاحدودی و ۸/۶ درصد زیاد بوده است. میانگین نشاط اجتماعی پاسخگویان ۲/۸۴ (از دامنه ۱ تا ۵) بوده است. این توزیع، زنگ خطری برای جامعه محسوب می‌شود. زیرا کاهش نشاط اجتماعی در جامعه پیامدهایی از جمله افزایش

بیماری‌های روانی و اضطراب اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی در جامعه و از جمله افزایش خشونت در جامعه، هراس اجتماعی، کاهش انگیزه، تحمیل هزینه‌های هنگفت بر جامعه، تأخیر در توسعه و... را به دنبال دارد.

نشاط اجتماعی در جامعه مرتبط با یک عامل خاص نیست، بلکه مرتبط با ترکیبی از عوامل و شرایط فردی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... است. از سویی دیگر با توجه به این که تاکنون هیچ نظریه کاملی در ارتباط با نشاط اجتماعی مطرح نشده است و یک نظریه و یا الگو نمی‌تواند تبیین جامعی داشته باشد، بنابراین یک دیدگاه ترکیبی برای موضوع پژوهش اتخاذ گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد بین رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها با نظریه‌های هومنز و آرگایل و نتایج پژوهش‌های شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) و سمیعی و دیگران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت رضایتمندی از زندگی از بزرگترین آرزوها و از مهم‌ترین هدف‌های زندگی بشر است و تأثیرات زیادی بر افراد دارد. اینگلهارت معتقد است رضایت از زندگی بازتاب مجموع رضایت او در زمینه‌های گوناگون مانند درآمد، مسکن، شغل، فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی و مانند آنهاست. بنابراین افرادی که از زندگی خود رضایت دارند، نسبت به دیگران، دارای نشاط بیشتری هستند.

یافته‌های پژوهش همسو با نظریه وینهوون و تحقیق مهدوی (۱۴۰۱) نشان داد بین متغیر امید به آینده و نشاط اجتماعی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. امید به آینده، تصورات مثبت فرد از آینده است و از شاخص‌های کیفی یک جامعه پویاست. امید، سرمایه اصلی حیات اجتماعی و منشاء پویایی و پیشرفت است. اینکه افراد آینده خود را چگونه ببینند بر جسم و روان آنها تأثیر می‌گذارد. وقتی افراد امید به آینده داشته باشند، نسبت به آینده بیمناک نیستند، برای آینده آرزو دارند اطمینان خاطر و احساس امنیت آنها بیشتر می‌شود، در نتیجه نشاط آنها افزایش می‌یابد.

نتیجه پژوهش همسو با نظریه‌های اینگلهارت، آرگایل و نتایج پژوهش‌های ارجمند سیاهپوش و دیگران (۱۳۹۶)، شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۶)، سمیعی و دیگران (۱۳۹۷) و عشایری و دیگران (۱۴۰۳) بین دینداری و نشاط اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. دین و مذهب به دلیل کارکردهای متعددی که دارند می‌توانند بر شادی افراد مؤثر واقع شوند. مذهب از چند طریق باعث افزایش نشاط می‌شود. مذهبی بودن می‌تواند به عنوان مانعی در مقابل فشار روانی عمل کند

و آثار زیانبار آن را بر طرف نماید که این موضوع در نهایت به ظهور احساسات و هیجانات مثبت و نشاط منجر می‌شود. مذهب به انسان این امکان را می‌دهد تا برای زندگی به جستجوی معنی پردازد و برای آینده امید داشته باشد. مذهب کمک می‌کند تا افراد دلایلی آرامش بخش برای توجیه ناکامی‌ها و مصائب زندگی خود داشته باشد. همچنین افراد مذهبی، گرایش کمتری نسبت به انحرافات دارند و رفتارهای جامعه‌پسند و انسان‌دوستانه بیشتری انجام می‌دهند، بنابراین افراد دیندار دارای نشاط بیشتری هستند.

متغیر احساس عدالت اجتماعی و نشاط اجتماعی زنان دارای رابطه معنی‌دار می‌باشند. این یافته‌ها با نظریات اینگلهارت، هومنز، آدامز و نتایج پژوهش‌های جولاندا و دیگران (۲۰۲۱) و عشایری و جهان‌پرور (۱۴۰۲) مطابقت و هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته باید گفت که عدالت، از یک نیاز طبیعی انسان است و این نیاز طیفی از نیازهای اقتصادی عینی از قبیل پول، شغل، ثروت و امکانات مادی تا نیازهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی- احساسی نسبتاً انتزاعی از قبیل توجه و احترام را در بر می‌گیرد. از دیدگاه جامعه‌شناسی نشاط اجتماعی مانند فقر محصول جامعه است و نشاط در فرایند رابطه فرد با گروه و جامعه تحقق می‌یابد. اگر احساس عدالت برای دستیابی به ثروت، شغل، شأن و منزلت و... در بین افراد جامعه، نشاط اجتماعی آنها افزایش خواهد یافت. افرادی که در زندگی بیشتر احساس بی‌عدالتی و فقدان امکانات و مواهب مختلف دارند، کمتر احساس نشاط می‌کنند.

نتایج این پژوهش همسو با نظریه اینگلهارت و یافته‌های مهدوی (۱۴۰۱) نشان داد بین احساس امنیت و نشاط اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در تبیین این رابطه می‌توان گفت، احساس امنیت، جنبه ذهنی دارد و ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی افراد است. بنابراین هنگامی که افراد احساس کنند عوامل تهدیدکننده زندگی آنها از لحاظ ذهنی و عینی وجود ندارد و جان، مال، آبرو، ناموس، شغل و..... آنها در خطر نیست، احساس نشاط اجتماعی بیشتری می‌کنند.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی با نشاط اجتماعی زنان در جامعه دارد. این یافته پژوهش با نظریات گیدنز و یافته‌های نی‌را و دیگران (۲۰۱۹)، ارجمند سیاهپوش و دیگران (۱۳۹۶)، عارف و دیگران (۱۴۰۱) و عشایری و جهان‌پرور (۱۴۰۲) مطابقت دارد. در تبیین این

مسئله باید گفت اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی می‌باشد، زیرا اعتماد تنها به معنای اعتماد بین افراد نیست، بلکه شامل اعتماد به گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بزرگتر، از جمله نظام‌های تخصصی نیز می‌باشد. بنابراین اعتماد اجتماعی ایجاد کننده مشارکت، همکاری و انسجام در جامعه است و زمینه ایجاد تنش‌ها، انفکاک‌ها و تضادهای اجتماعی را در جامعه از بین می‌برد. پس هرچه افراد یک جامعه دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، نشاط اجتماعی آنها نیز بالاتر می‌رود.

احساس بیگانگی اجتماعی رابطه معکوس با نشاط اجتماعی دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش سمیعی و دیگران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. احساس بیگانگی اجتماعی، ریشه در ساختارها و روابط اجتماعی دارد و به معنی جدا شدن فرد از ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی جامعه و بدبینی نسبت به آینده و اهداف تعریف شده آن است. هنگامی که احساس بیگانگی اجتماعی در جامعه افزایش یابد، تعلق خاطر افراد به جامعه و ارزش‌های آن کاهش می‌یابد و افراد نسبت به سرنوشت جامعه بی‌تفاوت و بیگانه می‌شوند. در چنین شرایطی، امنیت هستی‌شناختی افراد، مشارکت و اعتماد آنها کاهش می‌یابد. مجموع این عوامل باعث کاهش نشاط اجتماعی در جامعه می‌شود.

طبق یافته‌های این پژوهش بین وضعیت تأهل پاسخگویان و نشاط اجتماعی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد و متأهل‌ها (۳/۲۷) دارای نشاط اجتماعی بیشتری نسبت به مجردها (۲/۵۳) بوده‌اند. این یافته، مؤید یافته پژوهش عشایری و دیگران (۱۴۰۳) است. نشاط اجتماعی افراد مجرد کمتر از افراد متأهل است. در توجیه این یافته باید گفت که افراد متأهل از حمایت‌های خانوادگی بیشتری برخوردارند و این حمایت‌های خانوادگی باعث می‌شود احساس آسیب‌پذیری کمتر و نشاط اجتماعی بیشتری نسبت به مجردها داشته باشند. یافته‌ها نشان داد نشاط اجتماعی زنان برحسب سن آنها تفاوت دارد. این یافته همسو با پژوهش امیر و فائق (۱۳۹۹) است. همچنین یافته‌ها نشان داد نشاط اجتماعی زنان برحسب تحصیلات آنها تفاوت دارد.

فهرست منابع

- Azad Aramaki, Taghi and Kamali, Afsaneh, (2004), Trust, Social and Gender; A Comparative Study of Mutual Trust Between the Two Sexes, Iranian Journal of Sociology, Volume 5, Issue 2, 100-132. DOI: [10.1001.1.17351901.1383.5.2.4.3](https://doi.org/10.1001.1.17351901.1383.5.2.4.3). (In Persian)
- Ahmadi, Khoda Bakhsh and Akhavi Samrin, Zahra, (1401), Indicators and Components of Iranian Family Health, Quarterly Cultural and Educational Journal of Women and Family, Volume 17, Issue 60, 11-41. DOR: [10.1001.1.26454955.1401.17.60.1.4](https://doi.org/10.1001.1.26454955.1401.17.60.1.4). (In Persian)
- Arjomand Siahpoosh, Eshaq; Rezapour, Dariush and Hassanpour Afreinh, Khadijeh, (2018), Studying the level of social vitality of adolescents covered by the Imam Khomeini Relief Committee (RA) in Pol-e-Dokhtar city and the social factors affecting it, Quarterly Journal of Social Development (formerly Human Development), Volume 13, Number 2 (50th issue), 141-162. doi: [10.22055/qjdsd.2019.14192](https://doi.org/10.22055/qjdsd.2019.14192). (In Persian)
- Amir, Armin and Faeghi, Sahar, (2019), Measuring women's social vitality based on socio-economic status in Isfahan, Quarterly Journal of Social Psychological Studies of Women, Volume 18, Issue 3 (64), 37-74. doi: [10.22051/jwsps.2021.31970.2251](https://doi.org/10.22051/jwsps.2021.31970.2251). (In Persian)
- Inglehart, Ronald, (1400), Cultural Transformation in Advanced Industrial Society, translated by Maryam Vetter, Tehran: Kavir Publishing House, fourth edition. (In Persian)
- Behlgerdi, Maryam; Miri, Mohammad Reza; Norouzi, Aniseh and Sharifzadeh, Gholam Reza, (1400), Study of individual and organizational factors related to social well-being of women working at Birjand University of Medical Sciences in 2019, Scientific Journal of Birjand University of Medical Sciences, Volume 28, Issue 2, 170-178. (In Persian) <http://journal.bums.ac.ir/article-1-2832-en.pdf>
- Hosseinizadeh, Seyed Saeed, (1400), The State of Social Vitality in Iran, Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication, National Cultural Observation Center. (In Persian)
- Heydari, Sedighe, (2014), Investigating the mediating role of social media addiction in the relationship between social support and marital adjustment of working women: Focusing on the desire to have children, Scientific Journal of Progress and Population, Volume 1, Issue 1, 161-182. URL: https://pdj.ihu.ac.ir/article_208596.html. (In Persian)
- Khan Mohammadi, Hadi; Aslipour, Hossein; Yaghmaeian, Masoumeh; Askari Bagherabadi, Mahboobeh, (1403), Identifying factors affecting the implementation of general family policies in Iran, Cultural-Educational Quarterly Journal of Women and Family, Volume 19, No. 66, 133-156. DOR: [10.1001.1.26454955.1403.19.66.3.2](https://doi.org/10.1001.1.26454955.1403.19.66.3.2). (In Persian)
- Daman Bagh, Safieh; Sajjadian, Nahid and Nemati, Morteza, (2011), Analysis of the role of spatial differences in the sense of happiness of Ahvaz citizens, Journal of Geography and Urban Space Development, Volume 8, Number 1 (14th issue), 205-224. (In Persian) <https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.67749.1000>
- Samiei Esfahani, Alireza; Pourdanesh, Samer and Danesh, Hossein, (2018), Social factors affecting teachers' social well-being (case study). Journal of Sociology of Education, Volume 2, Number 1 (3 consecutive), 186-200. doi: [10.22034/jjes.2016.43694](https://doi.org/10.22034/jjes.2016.43694). (In Persian)
- Sohrabzadeh, Mehran; Niazi, Mohsen and Afra, Hadi (2019). Sociological explanation of the relationship between individualism and change in family structure. Sociological explanation of the relationship between individualism and change in family structure. Social-Police Research on Women and the Family, Volume 8, Issue 1, 171-198. dor: [10.1001.1.23224274.1399.8.1.8.3](https://doi.org/10.1001.1.23224274.1399.8.1.8.3). (In Persian)

- Sharifzadeh, Hakimeh Al-Sadat; Mirmohammad Tabar, Seyed Ahmad; Adlipour, Samad, (2017), Investigating the factors affecting social vitality in Iran; A meta-analysis of existing research, Culture Strategy, Volume 10, Issue 40, 159-180. (In Persian)
[URL: https://www.jsfc.ir/article_59093.html](https://www.jsfc.ir/article_59093.html)
- Aref, Abrisham; Sarukhani, Baqer; Kashani, Majid, (2012), The Effect of Family Social Trust on Social Well-being of Married High School Teachers in Tehran in 2019, Quarterly Journal of Cultural and Communication Studies, Volume 18, Number 2 (67th Consecutive Issue), 113-137. https://www.jcsc.ir/article_251781.html. (In Persian)
- Ashayeri, Taha and Jahanparvar, Tahereh, (1402), Factors Affecting Social Vitality: Meta-Analysis of Research, Journal of Socio-Cultural Strategy, Volume 12, Number 1 (46), 31-66. <https://doi.org/10.22034/scs.2022.155479>. (In Persian)
- Ashayeri, Taha; Modaber Chahar Borj, Seifollah; Jahanparvar, Tahereh; Hassanzadeh, Zahra and Bagheri, Samira, (2014), Studying the role of Iranians' level of religiosity in social well-being: A meta-analysis of research, Intercultural Studies, Volume 19, Issue 60, 123-146. <https://sanad.iau.ir/Journal/icsq/Article/1192798>. (In Persian)
- Falak al-Din, Zahra; Hajizadeh Maimandi, Masoud; Kalateh Sadati, Ahmad and Mousavi, Seyyed Mohsen (2014). Analyzing the strategies of female heads and non-heads of households in creating happiness in the family environment (a qualitative study in Yazd city). Social Welfare, Volume 24, Number 93, 135-180.
[doi: 10.32598/refahj.24.93.3285.2](https://doi.org/10.32598/refahj.24.93.3285.2).
- Ghanbari Adaivi, Abbas and Ghaderi, Elias, (2019), The position and role of women in strengthening the family system, Iranian Studies, Volume 5, Number 3 (14th issue), 24-5. https://is.iranology.ir/article_710894.html. (In Persian)
- Kia, Ali Asghar and Amiri, Roqiyeh, (2013), Study of the level of social vitality and its related factors among citizens aged 15-64 in Ahvaz city, Quarterly Journal of Welfare and Social Development Planning, Volume 4, Issue 15, 138-174. (In Persian)
https://qjssd.atu.ac.ir/article_832.html
- Giddens, Anthony, (2015), The Consequences of Modernity, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Markaz Publishing House, 8th edition. (In Persian)
- Hezarjeribi, Jafar and Safari Shali, Reza, (2010), Studying the concept of social happiness and its influencing factors (a case study in Markazi province). Quarterly Journal of Welfare and Social Development Planning, Volume 1, Issue 3, 31-72. (In Persian)
https://qjssd.atu.ac.ir/article_3690.html
- Mohseni, Amir; Yazdani, Hamid Reza; Zarei Matin, Hassan and Azizi, Zohreh, (2012), Presenting a model for developing social vitality with a meta-synthesis approach, Urban and Rural Management, Volume 21, Issue 69, 71-84. (In Persian)
[URL: http://ijurm.imo.org.ir/article-1-3318-fa.html](http://ijurm.imo.org.ir/article-1-3318-fa.html)
- Mohammadi Babazidi, Fatemeh; Mirdamadi, Seyyed Mojtaba and Mohammad Jafari, Rasoul, (1403), Examination and criticism of the perceptions of opponents of population growth regarding verses and narrations indicating the limitation of generation, Cultural-Educational Quarterly of Women and Family, Volume 19, No. 67, 34-11. (In Persian)
[DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.67.1.2](https://doi.org/10.26454955.1403.19.67.1.2)
- Mahdavi, Mohaddeseh, (1401), Social vitality and factors affecting it among women and men in Shiraz, Second International Conference on Management, Ethics and Business, Shiraz. <https://civilica.com/doc/1589193>. (In Persian)
- The intensity of basic needs in Glaser's theory with marital satisfaction, mental health and psychological well-being of married students, Cultural-Educational Quarterly of Women and Family, Year 14, No. 47, 23-38. [DOR: 20.1001.1.26454955.1398.14.47.2.8](https://doi.org/10.26454955.1398.14.47.2.8). (In Persian)

- Abbott, P. & Sapsford, R. (2006). Life-Satisfaction in post-soviet Russia and Ukraine, **Journal of Happiness Studies**, Vol 7, 251 – 287. <https://doi.org/10.1007/s10902-005-5563-2>
- Argyle, M. (2013). *The Psychology of Happiness* (2nd ed.). London: Routledge.
- Argyle, M. & Hills, P. (2000). Religious experiences and their relations with happiness and personality". *The international journal for the psychology of religion*, 10 (3): 157-172. https://doi.org/10.1207/S15327582IJPR1003_02
- Carmeli, A, Peng, A, C., Schaubroeck, J, M., & Inbar, A. (2020). Social support as a source of vitality among college students: The moderating role of social self-efficacy. *Psychology in schools*, 58(2), 351-363. <https://doi.org/10.1002/pits.22450>
- Jetten J., Peters K., Álvarez B., Casara B. G. S., Dare M., Kirkland K., Sánchez-Rodríguez Á., Selvanathan H. P., Sprong S., Tanjitpiyanond P., Wang Z., Mols F. (2022). Consequences of economic inequality for the social and political vitality of society: A social identity analysis. *Political Psychology*, 42 (51): 241–266. <https://doi.org/10.1111/pops.12800>
- Jolanda, J, Kim, P, Belén, Á, Bruno, G. S.C, Michael, D, Kelly, K, Angel, S, Hema, P, Stefanie, S, Porntida, T, Zhechen, W, Frank, M (2021). Consequences of economic inequality for the social and political vitality of society: A Social identity analysis. *political psychology*, 42 (51) 241-266. <https://doi.org/10.1111/pops.12800>
- Neira, I., Lacalle-Calderon, M., Portela, M., & Perez-Trujillo, M. (2019). Social Capital Dimensions and Subjective Well-Being: A Quantile Approach. **Journal of Happiness Studies**, 20 (8): 2551-2579. doi: [10.1007/s10902-020-00288-2](https://doi.org/10.1007/s10902-020-00288-2)
- Oishi S., Kesebir S., Snyder B. H (2011). Income inequality and happiness, *Psychological Science*, 22 (9): 1095-1100. <https://doi.org/10.1177/0956797611417262>
- Snoep, L. (2008). Religious and happiness in three nations: a research note, **J Happiness stud**, (9). 207-211. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10902-007-9045-6>
- Veenhoven, R (2006). Apparent quality-of-life in nations: How long happy people live. **Social indicators research**. 71(1-3): 61-86. doi:[10.1007/1-4020-3602-7_3](https://doi.org/10.1007/1-4020-3602-7_3)
- Wilkinson, R., & Pickett, K. (2010). **The Spirit Level: Why Equality is Better for Everyone**. London: Penguin Books.

